



۱۴
آمدن فصل بهار، یعنی آغاز به کار حشرات گزنده؛ با این گزش ها چطور مقابله کنیم؟
وقتی تنت می خاره!

۱۵
در آستانه سال نو، اگر در اندیشه شراکت در کسب‌وکار باکسی هستید به این پرسش‌ها حتما فکر کنید
۱۰ پرسش مهم پیش از شراکت



۱۶
یک مدرسه علوم دینی در اصفهان، تبدیل به مقصد گردشگران خارجی شده است
توریست‌ها در حوزه





روایت یك روان‌شناس بالینی که باغ خانوادگی‌اش را به نگهداری از بیماران روانی اختصاص داده

باغ عافیت







مریم خباز

جامعه

دکتر رضا پاشا، روان‌شناس بالینی ۵۷ ساله که اصالتا اهل دزفول است و عضو هیات علمی دانشگاه اهواز تا دلتان بخواهد آدم منحصر به فردی است. او می‌توانست فقط یك روان‌شناس بالینی باشد و با مدرك فوق دکتری‌اش، هم دنبال پست و مقام باشد و هم پول دربیاورد یا فقط سرش را بکند در لاك خویش و به اهل و عیال خودش فکر کند، ولی او این کار را نکرد تا حالا ما بتوانیم درباره‌اش بنویسیم که مردی است در خدمت بیماران روانی. باغ خانوادگی دکتر پاشا در محله شمس‌آباد دزفول است، جایی کنار صدها باغ این شهر که صاحبانش از آن پول درمی‌آورند. رضا پاشا نیز از این باغ پول درمی‌آورد، اما نه برای خودش که برای بیماران روانی شهر دزفول که یا با توهین و تحقیر کنج خانه‌ها بوده‌اند یا آواره و سرگردان خیابان‌ها. او این بیماران را در مرکز نونوار و مجهزی که ساخته اسکان داده، کار هم یادشان می‌دهد و آنهایی را که بهبود می‌یابند در گوشه دیگری از باغ اسکان می‌دهد تا خودشان زندگی کردن را تمرین کنند. دکتر پاشا گوشه‌ای از این باغ یك تالار مجلل عروسی نیز ساخته که هرچه از آن درمی‌آید خرج همین بیماران روانی می‌شود. جالب است که برگزاری مراسم عروسی در این تالار هم برای مددجویان تحت پوشش بهزیستی رایگان است. مرکبات این باغ و همه سبزیجاتی که در آن به بار می‌نشیند نیز سهم بیماران روانی است فقط به این دلیل که دکتر پاشا می‌داند کار خیرکردن فقط ساختن مسجد و مدرسه نیست، بلکه دیدن آدم‌های دردمندی است که چشم کمتر کسی آنها را می‌بیند.

شما یکی از آدم‌های متفاوت این سرزمین هستید، کسی که مردم و جامعه‌اش را بر منافع خودش ترجیح داده. ماجرای راه‌اندازی مرکز نگهداری بیماران روانی چیست؟

من کار مهمی انجام نداده‌ام و این حداقل کاری است که از دستم برمی‌آید. دزفول مرکز نگهداری از بیماران روانی نداشت بنابراین، این مرکز را ساختم که هم‌اکنون محل نگهداری ۲۰۰ بیمار زن و مرد مبتلا به اسکیزوفرنی است. این بیماران یا کسانی هستند که خانواده‌هایشان همه راه‌های درمان را رفته و به نتیجه نرسیده‌اند یا درخیابان‌ها رها بوده‌اند که زیرنظر بهزیستی از خیابان‌ها جمع‌شان کردیم که بخشی‌شان نیز مجهول‌الهویه هستند.

ولی همه کس سراغ حمایت از این قبیل بیماران نمی‌روند.

علتش این است که من روان‌شناسی خوانده‌ام و درك می‌کنم که بیماران روانی از همه جا مانده و رانده‌اند. یك بیمار روانی هم از درون زجر می‌کشد و هم از بیرون. شاید مردم فکر کنند خوشا به حال این بیماران که چیزی متوجه نمی‌شوند، اما اینها همه چیز می‌فهمند در حالی که جامعه آنها را مورد تحقیر، سرزنش، توهین یا آزار و اذیت قرار می‌دهد. بیماران اسکیزوفرنی در دنیای خودشان نیز گرفتار هذیان و توهم‌های وحشتناك هستند که زندگی را برایشان جهنم می‌کند. خانم بیماری بود که می‌گفت هرشب یك نفر می‌آید با انبردست دندان‌هایم را می‌کشد. این هذیان و توهم است، ولی درد واقعی هم دارد. با چنین وضعیتی کمتر کسی این بیماران را در نظر می‌گیرد و هر کسی می‌خواهد کار خیری انجام دهد وارد حوزه‌های دیگر می‌شود، برای همین تصمیم گرفتم خدمتی به این قبیل افراد بکنم.

مرکزی که ساخته‌اید درون یك باغ است، ماجرای این باغ چیست؟

این باغ خانوادگی ماست با وسعت سه هکتار که ۱۶ هزارمتر آن را برای ساخت مرکز جدا کرده‌ایم که ۶۰۰۰ متر آن ساختمان است. این مرکز را طوری ساخته‌ایم که کرامت انسان‌ها در آن حفظ شود.

هزینه‌ها چطور تامین می‌شود؟

بخشی از هزینه‌ها را بهزیستی تامین می‌کند و تعدادی از بیماران نیز خودشان حقوق دارند، اما بیشتر خانواده‌ها از پس تامین هزینه‌ها برنمی‌آیند و ما خودمان برای بیماران هزینه می‌کنیم. حتی به خانواده‌هایی که مشکلات مالی اجازه نمی‌دهد به بیمارشان سر بزنند، هزینه رفت و آمد می‌دهیم. علاوه بر این از فروردین امسال در گوشه‌ای از باغ یك تالار عروسی مجلل ساخته‌ایم که درآمد آن خرج بیماران می‌شود. البته اعلام کرده‌ایم که مراسم ازدواج مددجویان بهزیستی برای ۲۰۰ مهمان از صفر تا صدش رایگان است.

معمولا مراسم چند مددجو را در ماه برگزار می‌کنید؟

به طور میانگین ماهی دو سه عروسی داریم.

این باعث نمی‌شود تالار زیان‌ده شود؟

به لطف خدا نه، چون این تالار جزو بهترین‌های دزفول است و چون ورودی آن را به اندازه تالارهای معمولی تعیین کرده‌ایم مشتری زیاد است. ما همه این کارها را می‌کنیم تا بیماران روانی‌مان بهتر زندگی کنند و خدمات مطلوب‌تری بگیرند.

می‌گویند دزفول باغ‌های زیادی دارد و قیمت‌شان هم بالاست. خیلی‌ها از طریق باغ‌شان کسب درآمد می‌کنند، اما شما از این منبع درآمد چشم‌پوشی کرده‌اید. چرا؟

من تا مقطع دکتری در این کشور رایگان تحصیل کرده‌ام و در واقع همین مردم هزینه آن را داده‌اند، پس نسبت به جامعه احساس دین می‌کنم و خدا را شاکرم که مرا وسیله‌ای قرار داده تا به مردم کمك کنم و از این طریق به آرامش و رضایت خاطر برسم.

هر بیمار روانی ماهانه چقدر خرج دارد؟

طبق اعلام بهزیستی حداقل ماهی یك میلیون و ۳۵۰ هزارتومان.

تا به حال شده بیماری در مرکز شما درمان شود و از آنجا برود پی زندگی‌اش؟

بله، تعدادی از بیماران بهبود یافته‌اند، اما باید توجه داشته باشیم بیماری روانی مادام‌العمر است و نیاز به درمان دائمی دارد. البته در مرکز ما چون اصول دقیق علمی پیاده می‌شود موفق شده‌ایم تعدادی از بیماران را به جامعه و خانواده برگردانیم.

خدمات حرفه‌آموزی و توانمندسازی هم برای بیماران دارید؟

ما بخشی به نام حرفه آموزی و کاردرمانی داریم که بیماران را از صبح تا ظهر مشغول فعالیت در کارگاه‌ها می‌کند. البته سرعت عمل این افراد پایین است و حوصله‌شان زود سر می‌رود، ولی با این حال کارهایی انجام می‌دهند که قابل ارائه به بازار است.



چه چیزهایی تولید می‌کنند؟

فرش، تابلو فرش، منبت، نقاشی روی بوم، عروسك، کیف‌دوزی، مهره‌بافی، کار با نمد و معرق و... اگر کسی مایل باشد از این محصولات بخرد، امکانش هست که هم باعث دلگرمی می‌شود و هم منبع درآمدی برای بیماران.

در مورد تالار عروسی که کنار مرکز نگهداری بیماران روانی ساخته‌اید بیشتر بگویید. گفتید مراسم ازدواج در آن زیاد برگزار می‌شود و استقبال از آن خوب است، اما در تهران بسیاری از تالارها دارند از بی‌مشتری بودن رنج می‌برند.

خوشبختانه اوضاع ما خوب است و تا ماه رمضان سال آینده تالار ما هر روز پر است. به نظرم نوعی برکت به کار ما افتاده و ما به این برکت و رونق واقعا نیاز داریم، چون هزینه نگهداری و درمان بیماران روانی سرسام‌آور است و فقط هزینه داروی آنها در ماه حدود ده میلیون تومان می‌شود.

چرا به افراد تحت پوشش بهزیستی رایگان خدمات می‌دهید؟

این افراد به علت مشکلات مالی معمولا در تالارها مراسم نمی‌گیرند و سعی می‌کنند خانه‌های محقری را با کمترین هزینه اجاره کنند درحالی که شاید همیشه آرزوی یك عروسی خوب در دلشان بمانند، بنابراین با بهزیستی هماهنگ کردم برایشان سنگ تمام بگذاریم تا این خاطره همیشه برایشان باقی بماند.

برنامه‌های دیگری هم برای گسترش کارهای خیر دارید؟

بله. من به ازدواج افراد خیلی اهمیت می‌دهم. در کشورهای دیگر دیده‌ام برای افراد توان‌یاب سوئیت‌های کوچك تدارك می‌بینند تا بتوانند زندگی مستقل داشته باشند بنابراین، این را جزو اهدافم قرار داده‌ام که در آینده آن را عملی خواهم کرد. از سوی دیگر می‌خواهم خدماتم برای بیماران روانی را گسترش دهم. این بیماران طیف وسیعی دارند که افراد با هذیان‌ها و توهم‌های شدید تا آنها که ارتباط‌های اجتماعی خوب دارند را شامل می‌شود. مدتی است برای آن تعداد از بیماران که بهبود یافته‌اند خانه‌ای به نام خانه یك چهارم راهی راه‌اندازی کرده‌ام که می‌توانند در آن با تعدادی از همنوعانشان زندگی کنند. این خانه زیرنظر مرکز است که در گوشه دیگری از باغ ساخته شده و ساختمانی ۲۲۰ متری و حیاطی ۴۰۰ متری دارد. گسترش این قبیل خانه‌ها جزو اهداف من است ضمن این که به راه‌اندازی خانه‌های مستقل برای بیماران روانی بهبود یافته نیز فکر می‌کنم.

فناوری اطلاعات نیاز آموزش از راه دور

عمر مدارس آموزش از راه دور از ۲۰ سال هم گذشته. آغاز کار اینها برمی‌گردد به پاییز سال ۷۵ که از یك‌سو مدارس سه شیفته داشت نظام آموزشی کشور را آزار می‌داد و از دیگر سو بُعد مسافت در استان‌های پهناوری همچون سیستان و بلوچستان داشت فراگیری آموزش را تحت‌الشعاع می‌برد. آموزش از راه دورها با نیت تخفیف دادن این دو چالش روی کار آمدند که البته سال‌های نخست، فراگیری‌شان کم بود حتی تا سال ۸۳ که تعدادشان رسیده بود به ۱۲۰ مدرسه. نیمه دوم دهه ۸۰ اما همزمان بود با رشد کمی مدارس آموزش از راه دور که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ روی عدد ۲۰۰۲ ایستاد. این وضع ولی بازهم دوام نیاورد و با آغاز دهه ۹۰ این سیر کمی نزولی شد و هم‌اکنون حرف از فعالیت حدود ۱۶۰۰ مدرسه در میان است.

درست مثل تعداد مدارس آموزش از راه دور که در این ۲۰ سال فراز و فرود داشته، کیفیت آموزش در آنها نیز دستخوش تغییر بوده و حواشی در موردشان کم نبوده، چه درباره مجوزهایش که می‌گفتند اغلب به عده‌ای خاص داده شده و چه درباره امتحانات و نمراتش که می‌گفتند گاهی از قاعده خارج شده. از پس همه این حواشی اما مراکز آموزش از راه دور ماندند و به حیاتشان ادامه دادند چون نیاز به آنها در این دو دهه هرگز قطع نشد. افراد لازم‌التعلیمی که نمی‌توانند به هزار و یك دلیل به مدارس حضوری بروند، بچه‌های کار، خانم‌های متاهل، افراد زندانی و دربند، معلولان جسمی و بزرگسالانی که از سن مدرسه رفتنشان گذشته درهمه این سال‌ها مشتری مدارس آموزش از راه دور بوده‌اند و اگر این مدارس نبود شاید این افراد نیز به خیل بازماندگان از تحصیل و کم‌سوادان جامعه ملحق می‌شدند.

با این حال مدارس آموزش از راه دور همچنان از برخی کاستی‌ها رنج می‌برند که اگر رفع شوند این مدارس نیز بیشتر شناخته می‌شوند. بهبود کیفیت یادگیری در این مدارس یکی از این ملزومات است که این نیز مستلزم طرح برنامه درسی نظام‌مند است. همچنین بقا و توسعه این مدارس به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات بستگی دارد، زیرساخت‌هایی که فضای یادگیری را متحول کرده و صد البته یادگیری را آسان می‌کند. در یکی از روزهای امسال که رئیس سازمان مدارس غیردولتی خبر داد که همه مدارس آموزش از راه دور تا پایان دولت دوازدهم یعنی تا دو سال دیگر الکترونیکی می‌شوند شاید یکی از بهترین خبرهای منتشر شده این حوزه بود. استفاده از فناوری و ابزارهای الکترونیکی در آموزش از راه دور به این دلیل مهم است که می‌تواند با ازبین بردن موانع زمانی، مکانی و اجتماعی، مطالب درسی را در همه زمان‌ها و مکان‌ها به مخاطبان منتقل کند و این اسباب برای کشور ما که بخشی از مردمانش گرفتار بُعد مسافت، دوری یا نبود مدارس و البته تعصبات قومی به‌ویژه در مواجهه با تحصیل دختران هستند، می‌تواند راهگشا باشد.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بلوار_خاموش
بیگی از تهران:
بلوار هجرت و تختی فاقد روشنایی لازم است و رانندگان دید کافی برای رانندگی ندارند این بی‌توجهی احتمال بروز تصادفات را زیاد کرده است.

#قیمت_گذاری
شیرزاد از مراغه:
سیاست قیمت‌گذاری نادرست وزارت صنعت در حوزه خودرو باعث گرانی و سودجویی خودروسازان گردیده است و متاسفانه روزانه چند میلیون تومان به قیمت خودرو افزوده می‌شود.

#سفره_کوچک
صفری از گرمسار:
حذف بسیاری از مواد غذایی مخصوصا گوشت، مرغ و ماهی از سفره خانواده‌های ایرانی ضرر زیادی را در آینده به مردم از نظر سلامتی وارد می‌کند و باعث و بانی همه این ضرر و زیان‌ها دولت است.

#جهش_ماهی
قاسمی از بابل:
چرا باید قیمت انواع ماهی در بازار نسبت به سال قبل افزایشی سه برابری داشته باشد؟ تعیین قیمت در بازار به وسیله دلال‌ها هدیه دولت به مردم است.

#صنعت_چرم
گرشاسبی از همدان:
صنعت چرم طبیعی ایران که نامی بزرگ دارد با گرانی و واردات چرم‌های مصنوعی از چین روبه‌ورشکستگی می‌رود و این موضوع اصلا برای اهالی این صنف خوشایند نیست.

#واردات_بی‌رویه
میرزاخانی از تهران:
واردات بی‌رویه پارچه‌های تزئینی مانند پرده و پارچه مبلی، کارخانه‌های نساجی داخلی و کارگاه‌های کوچك را به مرز ورشکستگی رسانده است.

#بیمارستان_بیمار
مهربانی از گنبدکاووس:
وضعیت بهداشت بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان گنبدکاووس بسیار اسفناك و نامطلوب است، بازرسان وزارت بهداشت چرا وظایف‌شان را دقیق انجام نمی‌دهند؟

#تولید_داخلی
جمعی از شهروندان:
با وجود شعارهای فراوان راجع به حمایت از تولید داخلی، متاسفانه با گشت کوتاهی در بازار متوجه می‌شویم هیچ کالای ایرانی در بازار وجود ندارد و فقط اجناس چینی به فروش می‌رسد. صنعت تولید داخل با نوسانات ارزی به حالت کما رفته است و این موضوع زنگ خطری برای روزهای آینده است. این بی‌توجهی به بیکاری نیز دامن می‌زند.